

Issue No.129

December - January 2018-2019

شرکت شیرهای بهداشتی ایران

www.kwcciran.com

Under trademark license Franke

منابع، یا مدیریت منابع

در سال ۲۰۱۱ میلادی سیل بزرگی در کشور تایلند اتفاق افتاد. در اثر این سیل تعداد زیادی از مجتمع های صنعتی تایلند به زیر آب فرو رفتند که منجر به تعطیلی چند ماهه کارخانه‌های تولیدکننده هارد دیسک و اختلال در تولید این محصول شد. تایلند یکی از مهم ترین کشورهای سازنده هارد درایو در جهان است و حذف نیمی از تولیدات دنیا، برای چند ماه باعث تاثیر عمیقی در بازار و قیمت کامپیوتر شد. در پی این اختلال، تولیدات غول‌های بزرگ فناوری کامپیوتر مانند اینتل، اپل و Dell که وابسته به قطعات تایلند بودند مورد تهدید قرار گرفت و هارد دیسک به مدت یک سال در تمام دنیا نایاب و قیمت آن تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد. در همان زمان تعداد زیادی از اتومبیل‌های آماده تحویل این کشور نیز، بر اثر سیل پر از آب شدند. صنایع اتومبیل سازی تایلند برای آسوده خاطر کردن مشتریان، اعلام کردند که اتومبیل‌های آبگرفته را به آنها نخواهند فروخت و در جلو دوربین خبرگزاری‌ها، شروع به له کردن اتومبیل‌های آسیب دیده کردند و دل خیلی از آرزومندان اتومبیل را به درد آوردند.

کشور تایلند دارای ۷۰ میلیون نفر جمعیت است. مهم ترین صادرات این کشور اتومبیل، کولر، برنج، محصولات کشاورزی، محصولات نساجی، پوشاک، محصولات شیلات، غذاهای دریایی، ترانزیستور و قطعات کامپیوتر است. توریسم هم یکی از مهم ترین منابع کسب درآمد ارزی تایلند است. این کشور در سال ۲۰۱۷ ۲۰ تا ۳۵ میلیون توریست را به طرف خود جلب کند و ۳۰ میلیارد دلار ارز بدست آورد. بزرگترین کالای وارداتی این کشور فرآورده های نفتی است چون ذخایر نفت تایلند بسیار ناچیز است. مصرف روزانه نفت خام در تایلند به ۸۰۰ هزار بشکه می رسد. تایلند برای واردات نفت مورد نیاز خود، سالانه ۱۷ میلیارد دلار هزینه می کند. متوسط رشد تورم تایلند در سال گذشته ۲ درصد و متوسط سود بانکی هم دو درصد بوده است.

کشور ترکیه که در همسایگی ما قرار دارد، دارای ۸۲ میلیون نفر جمعیت است. مهم ترین صادرات ترکیه صنایع نساجی، صنایع غذایی، خودروسازی، صنایع فولاد، لوازم خانگی، صنایع شیمیایی، داروسازی و ماشین سازی است. توریسم هم نقش بزرگی در کسب درآمد خارجی کشور ترکیه بازی می کند. این کشور با ۴۰ میلیون توریستی که در سال ۲۰۱۵ وارد ترکیه شدند، رتبه ششم جهان از نظر توریست پذیرگی را کسب کرد و درآمدش بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار شد. واردات نفت ترکیه مانند تایلند روزانه ۸۰۰ هزار

بشکه و هزینه سالیانه این کشور نیز برای خرید نفت حدود ۱۷ میلیارد دلار است. تورم ترکیه در سال گذشته ۱۸ درصد و سود بانکی هم حدود ۱۸ درصد بود.

نرخ تورم ایران در سال گذشته ۳۰ درصد و نرخ سود بانکی آن ابتدا ۱۵ درصد و بعد تا ۲۴ درصد افزایش یافت. ایران تا قبل از دور دوم تحریم‌ها، روزانه دو میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت صادر می کرد که درآمد ارزی سالیانه آن حدود ۵۰ میلیارد دلار می شد. مقدار نفتی هم که در داخل کشور مصرف می شود، حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال است. یعنی کشور ایران با ۸۲ میلیون نفر جمعیت، که تقریباً برابر با کشورهای ترکیه و تایلند است، علاوه بر اینکه لاقال سالی ۳ میلیارد دلار سوخت اضافی مصرف می کند، سالی ۱۷ میلیارد دلار نیز از محل خرید سوخت صرفه جوئی ارزی می کند. بعلاوه سالی ۵۰ میلیارد دلار هم از نفت درآمد دارد. سایر درآمدهای صادراتی ایران حدود ۳۰ میلیارد دلار است، که فقط ۳/۵ میلیون دلار آن از صنعت توریسم است. نکته جالب اینکه اکثر اقلام صادرات غیر نفتی ایران باز هم به شکلی به نفت و میعانات نفتی و گاز بوتان و پلی اتیلن و مواد خام مانند سنگ آهن و مقداری هم پسته و فرش محدود می شود. در حالی که در آمد صادراتی تایلند اکثراً صنعتی و کشاورزی و حدود ۲۰۰ میلیارد دلار و درآمد صادرات ترکیه که اکثراً صنعتی و منسوجات و لباس است، به رقم ۱۵۰ میلیارد دلار می رسد. از طرفی تفاوت نرخ تورم و نرخ سود بانک در هر دو کشور ترکیه و تایلند صفر است در حالی که این تفاوت برای ایران حداقل به ۶ درصد می رسد. "منابع" به تنهایی تولید ثروت نمی کنند بلکه "مدیریت منابع" است که ثروت تولید می کند. یکی از فقیرترین مناطق دنیا از نظر منابع طبیعی، بخش بزرگی از اروپا است. اروپایی که محتاج به نفت و گاز و آهن و طلا و اورانیوم و الماس و مس و آلومینیوم و محصولات کشاورزی دنیا است، ولی از دو قاره آسیا و آفریقا که سرشار از منابع طبیعی هستند، به مراتب ثروتمندتر است. چون از مدیریت منابع بهتری برخوردار است.

گیلان و مازندران که دو استان همجوار با دریای خزر و رشته کوه البرز هستند، همواره به عنوان دو استان مرطوب و پر بارش کشور شناخته می‌شوند و از بارش نسبتاً زیادی برخوردارند. میانگین بارندگی سالیانه در نوار ساحلی استان مازندران برابر با ۹۷۷ میلیمتر است، این مقدار نسبت به متوسط بارندگی کل کشور که در سال گذشته ۲۳۰ میلیمتر بوده و میانگین بارندگی در کل جهان که ۸۶۰ میلی متر است، مقدار کافی به نظر می رسد. ولی جالب است بدانید در نوروز سال ۱۳۹۷ تعدادی از شهرهای ساحلی که پذیرای توریست‌ها بودند، دچار کمبود آب و قطعی موقت شدند، از جمله شهر ساحلی نور که چندین روز با جیره بندی آب مواجه شد. این دو استان پر آب مدتی است که به دلایل "ضعف مدیریت منابع" دچار کم آبی شده اند. تا جایی که آمار می گوید: در سال جاری سطح زیر کشت برنج به دلیل کم آبی تا حد زیادی کاهش پیدا کرده.

کشوری که مصرف سرانه مردم شهر نشین آن ۳۰۰ لیتر در روز است و این رقم در تهران بزرگ که یک ششم جمعیت کشور ادر خود جاده، به رقم ۳۵۰ لیتر در روز می رسد. کشوری که راندمان آب کشاورزی بیش حدود ۳۰ درصد است. کشوری که با داشتن ۷۷۰ هزار حلقه چاه که نیمی از این تعداد غیر مجاز هستند، سفره های آب زیر زمینی را خالی کرده، به نظر می رسد بیشتر از اینکه از فقر منابع رنج ببرد، از فقر مدیریت منابع رنج می برد. بهتر است به جای نگرانی برای منابع آب، کمی هم نگران مدیریت منابع آب باشیم.

KWCC

کی دبلیو سی

Under trademark license of Franke

شماره ۱/۲۹ / سال یازدهم / دی ماه ۹۷

آخرین شماره کاغذی ماهنامه



ده سال و ۹ ماه پیش انتشار ماهنامه KWC آغاز شد. عمر نشریات در ایران معمولاً کوتاه است. مسلماً انتشار منظم ۱۲۹ شماره، رکورد خوبی محسوب می شود. در این مدت ماهواره در معرض این سوال بودیم که انتشار رایگان این ماهنامه چه سودی برای شرکت KWC دارد؟

کسب و کارهای امروزی، نیاز به همزیستی مسالمت آمیز با جامعه دارند، چون با آسیب دیدن و تضعیف اجتماع و محیط زیست، پایداری و توسعه کسب و کار به خطر می افتد. چاپ این نشریه که تاکنون هزینه سنگینی در بر داشته، پاسخ مثبتی به مبحث "مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها" (Corporate Social Responsibility) بوده. صنایع موفق باید وظیفه خود در قبال جامعه را به خوبی ایفا کنند و توجه ویژه‌ای به مسئولیت اجتماعی داشته باشند. البته به کارگیری این اصل می تواند باعث بهبود تصویر موسسه در جامعه و افزایش ارزش برند و بالا بردن سطح وفاداری مشتری‌ها بشود.

از روز نخست انتشار، ماهنامه KWC با درک موقعیت خطیر آب کشور، مهمترین هدف اجتماعی خود را بر محور اطلاع رسانی از خطرات کمبود آب و شیوه‌های کاهش مصرف قرار داد. ده سال قبل وقتی ماز بحران و جنگ آب سخن می گفتیم، برای اکثریت اجتماع و حتی مدیران آب کشور، این سخن بازار گرمی برای فروش محصولات شرکت تلقی می شد و کمتر کسی باور داشت بحران آب در راه است. ماهواره سعی کردیم به شیوه‌ای علمی و کاربردی، دغدغه کمبود آب کشور را اعلام کنیم. در همین راستا ۱۲۹ سرمقاله با موضوع بررسی علل بروز مشکلات آب و شیوه‌های مقابله با آن نگاشتیم. با ۱۲۹ نفر از کارشناسان، هنرمندان، انبوه سازان و مدیران آب در مورد اهمیت و شرایط آب کشور مصاحبه انجام دادیم. بیش از ۲۰۰ مقاله از جدیدترین مطالب علمی داخلی و خارجی، در رابطه با مسائل آب و راه‌های مقابله با بحران آب را چاپ کردیم، که در بعضی از مواقع، فاصله بین انتشار جهانی و چاپ آن در ماهنامه فقط چند هفته بود. بیش از ۱۰۰ پیام کوتاه تصویری برای آموزش روش‌های مصرف بهینه آب به صورت اختصاصی ساخته و منتشر کردیم.

البته ما آنقدر ساده دل نیستیم که فکر کنیم یک نشریه کوچک، با حدود ۹۰۰۰ نفر مخاطب، بتواند بر مشکلات آب کشوری به پهناوری ایران تاثیر عمیق بگذارد، ولی بر طبق شواهد، مطمئن هستیم که توانسته‌ایم بر سطح آگاهی عمومی و آگاهی مدیران کشور تاثیر داشته باشیم. ما نتیجه کار ده ساله خود را مثبت ارزیابی می کنیم.

چه شد که چاپ کاغذی ماهنامه را متوقف می کنیم؟ اکنون چند سالی است که در سراسر دنیا مجلات معتبر برای دسترسی سریع‌تر و متنوع‌تر با مخاطب، وارد فضای مجازی شده چاپ کاغذی خود را یا کاهش داده‌اند و یا به کلی متوقف کرده‌اند، نشریاتی مانند تایم، نیویورک، وال استریٹ ژورنال و گاردین. ما هم بیش از ۶ سال است در کنار انتشار نسخه کاغذی ماهنامه،

آئینه در این شماره‌ی خوانند

گفتگو با دکتر مسعود تابش در باره تدریس مبحث آب در دانشگاه‌ها

کلاهدارهای فضای مجازی

تنبلی

آینده نگری های گراهام بل - قدرت یک انسان

تحلیل اخبار آب:

احتمال رایگان شدن آب، برق و گاز

احیای دریچه‌ها و رمیه بافاضلاب تصفیه شده - باوجود بارندگی، کنترل مصرف آب الزامی است
افزایش سطح دریاها تهدیدی برای میراث جهانی یونسکو

نسخه الکترونیک آن را منتشر می کنیم و به تدریج تعداد مخاطب‌های الکترونیک ما به ۵۰۰۰ نفر رسیده. تا اینکه در چند ماه گذشته نرخ ارز به شدت افزایش پیدا کرد. متعاقب آن هزینه‌های چاپ و کاغذ و توزیع ماهنامه نیز افزایش زیادی یافت. در نتیجه با توجه به رواج فضای مجازی و وسایل ارتباط جمعی الکترونیک و لزوم حذف کاغذ، در راستای حفظ محیط زیست و جلوگیری از قطع درختان و از طرفی مقابله با افزایش سرسام آور هزینه‌ها، مدیریت ماهنامه تصمیم گرفت ضمن ادامه انتشار الکترونیکی، چاپ کاغذی را متوقف کند. برای دریافت نسخه الکترونیک که به صورت Responsive و قابل تطبیق با کامپیوتر و لب‌تاپ و موبایل طراحی شده، می توانید به آدرس www.kwccmag.com مراجعه کنید و با ایمیل خود را به moshariran@yahoo.com ارسال فرمائید تا همه ماهه لینک ماهنامه، برای شما ارسال گردد. آدرس سایر رسانه‌های اجتماعی ماهنامه عبارتند از:

www.kwcciran.com/FA/magazine

www.facebook.com/kwccmag

<https://t.me/kwccmag>

اگر به هر دلیل با مشکلی مواجه شدید، می توانید از طریق تلفن ۰۹۱۹۴۱۹۱۶۷۲ مشکل خود را به ما در میان بگذارید. در همین جا با کسانی که به هر دلیل در این مقطع از ما جدا می شوند خداحافظی می کنیم.
شهریار بدیعی

دستیابی به هوای پاک پر هزینه است



مسئله گرمایش زمین و آلودگی هوای شهرهای بزرگ، ظاهراً از یک تضاد عمیق رنج می برد. از یک طرف بعضی از مردم و رهبران جهان، چنین خطری را غلو آمیز و نامحتمل می دانند، از طرف دیگر روز به روز آثار گرمایش زمین و خطرات آلودگی هوا ابعاد خود را بیشتر نشان می دهد.

مردم فرانسه معتقد هستند که خطرات آلودگی هوا جدی است و بی توجهی دولت به محیط زیست و آلودگی هوا در سال‌های اخیر به یکی از اعتراض‌های ثابت مردم فرانسه تبدیل شد. بالاخره دولت فرانسه تصمیم گرفت خودروهای کهنه و بخصوص گازوئیل‌سوز را از دور خارج کند و به طرف سوخت‌های "پاک" برود. به همین منظور برای کسب هزینه‌های چنین کاری، عوارضی به عنوان "مالیات بر کربن" وضع کرد، که موجب افزایش قیمت سوخت می شود. این مالیات به منظور کاهش گاز‌های گلخانه‌ای در نظر گرفته شد و دولت فرانسه قصد داشت به تدریج بر میزان این مالیات بی‌افزاید. رییس جمهوری فرانسه گفت: هدف از افزایش مالیات بر سوخت‌های فسیلی به منظور کاهش آلودگی هوا است. او قول داد که برای اقبال کم‌درآمد، پاره‌های نقدی در حدود ۲۰ یورو در ماه و مبلغ صد یورو برای نصب پنجره‌های دوجداره و کمک‌هایی در حدود ۴۰۰ یورو برای خرید خودروهای نو کم‌آلاینده، در نظر گرفته شود. مردم که از قیمت بالای سوخت ناراضی شدند، بلافاصله پاسخ دادند "ما پول خرید بنزین و گازوئیل را نداریم، چگونه می توانیم یک خودرو نو برقی بخریم، یا پنجره‌های خود را عوض کنیم."

روز دهم اکتبر سال جاری "اول آبان" دو راننده فرانسوی فراخوانی در صفحه فیسبوک خود گذاشتند و از مردم خواستند «برای اعتراض به افزایش قیمت سوخت راه‌انداز سراسری ایجاد کنند». ۲۰۰ هزار نفر در فیسبوک قول شرکت در این فراخوان را دادند. بنابر قانون فرانسه همه خودروها باید یک جلیقه‌زد شرننگ، در اتومبیل خود داشته باشند تا در شرایط اضطراری آن را بر تن کنند و منظر کمک بمانند قرار شد برای مشخص شدن معترضان، آنها جلیقه‌های زرد خود را به تن کنند. این اعتراضات که به تظاهرات "جلیقه زردها" موسوم شده است، بر خلاف گذشته نه تنها از کاتال احزاب و سندیکاهای سنتی فرانسه شکل نگرفت، بلکه این حرکت یکی از اولین اعتراضاتی است که در دنیا به رهبری اینترنت شکل گرفته است.

طبق داده‌های وزارت محیط زیست و توسعه پایدار فرانسه، مالیات بر سوخت اکنون ۶۰ درصد از قیمت سوخت را تشکیل می دهد. به این شکل بود که مردم سخت از گرانی گازوئیل و بنزین خشمگین شدند و به خیابان‌ها آمدند. با این که می توان تجمعات اعتراضی «جلیقه زرد»‌ها را یک حرکت سیاسی دانست، اما شرکت کنندگان خود را وابسته به طیف سیاسی یا حزب خاصی

ندانستند و سعی کردند با مطالبات حزبی و جناحی آغشته نشوند. در این میان جناح‌های چپ و راست فرانسه، حمایت خود از حرکت «جلیقه زردها» را اعلام کردند، ولی یکی از اعضای شناخته شده جنبش "جلیقه زردها" اعلام کرد: (ما نمی‌خواهیم کسی جنبش ما را به نام خود مصادره کند. ما رهبر جنبش نمی‌خواهیم. این جنگ برای ما، جنگ مالیات سوخت است.)

در ۱۷ اکتبر (۷ آبان) معترضان توانستند در بسیاری از نقاط فرانسه جاده‌های اصلی را ببندند و محورهای استراتژیک را مسدود کنند. تعداد شرکت کنندگان در این تجمعات در ۱۷ نوامبر به حدود ۳۰۰ هزار تن رسید و کار به زد و خورد و آتش زدن اتومبیل‌ها و امکانات شهری کشید و نظم شهر توریستی پاریس که روزانه صدها هزار نفر از برج ایفل و موزه لوور و طاق اتوال در این شهر بازدید می کنند به کلی مختل شد.

بالاخره روز سه‌شنبه ۴ دسامبر و پس از سه هفته نا آرامی ادوار فیلیپ، نخست‌وزیر فرانسه گفت «هرچند دولت باید مصمم و با قدرت بماند، اما پیش از همه چیز، دولت وظیفه حفظ آرامش عمومی را دارد و هیچ عوارضی ارزش به خطر انداختن وحدت ملی را ندارد». به این شکل بود که به منظور بازگرداندن آرامش به کشور فرانسه، مالیات کربن که قرار بود از اول ژانویه آینده به اجرا گذاشته شود، فعلاً برای مدت ۶ ماه به تعلیق درآمد.

در این میان دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، باز هم از گل آلود ماهی گرفت و در توییت خود به امانوئل ماکرون گفت: خوشحالم که دوستم ماکرون و تظاهر کنندگان به همان نتیجه‌ای رسیدند که من ۲ سال پیش به آن رسیدم. توافق (آب و هوایی) پاریس اشتباه محض است چرا که به افزایش بهای انرژی برای کشورهای مسئولیت‌پذیر منجر می‌شود، حال آنکه بعضی از بدترین عاملین آلودگی را (از اتهام) مبرا می‌کند.

گفتگو با دکتر مسعود تابش درباره تدریس در دانشگاه ها

برابر هزینه ای که انجام داده اند را به دست می آورند. متأسفانه نظام تحقیقاتی و نظام صنعت ما هنوز نتوانسته این مشکلات را خوب درک کند و برای آن راهکار طراحی کند. چرا دانشگاه ها از بخش خصوصی کشور کمک نمی گیرند؟ بسیاری از شرکت های بزرگ و کوچک جهان برای بخش تحقیق و توسعه، هزینه های زیادی را انجام می دهند و تعداد زیادی از پروژه های آنها توسط دانشگاه ها پیگیری می شود. متأسفانه بودجه تحقیقات بخش خصوصی ایران در حدی نیست که بتواند سرمایه گذاری مشخصی بر روی دانشگاه ها داشته باشد. یکی از مهمترین مشکلات این است که در کشور ما، بخش خصوصی به معنای واقعی شکل نگرفته است. ساختار اقتصاد ما یک



آقای دکتر مسعود تابش، استاد دانشکده مهندسی عمران دانشگاه تهران و رئیس انجمن آب و فاضلاب ایران هستند. ایشان مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۶۷ در رشته مهندسی عمران از دانشگاه صنعتی اصفهان دریافت کردند. سپس برای مقطع کارشناسی ارشد وارد دانشگاه تهران شدند و در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدند. در مقطع بعد ایشان مدرک دکتری خود را در سال ۱۳۷۷ در رشته مهندسی عمران آب از دانشگاه لیورپول انگلستان دریافت کردند. آقای دکتر تابش چندین کتاب تالیف کرده اند که عنوان یکی از آنها "مدل سازی پیشرفته شبکه های توزیع آب" است. ایشان در حال حاضر رئیس هیئت مدیره انجمن آب و فاضلاب ایران هستند.

به دلیل سابقه طولانی آقای دکتر تابش، در امر تدریس دانشگاهی، این ماه پای صحبت ایشان می نشینیم تا برای ما در باره نحوه تحقیق و انتخاب پایان نامه در مبحث آب در دانشگاه های کشور صحبت کنند. لطفاً توجه فرمائید.

دانشگاه ها در حل مشکلات آب کشور چه نقشی را بازی می کنند؟ دانشگاه ها در پرداختن به مسائل مرتبط با آب تلاش بسیار زیادی انجام داده اند. رشته ها و گرایش های متعددی که هر یک مرتبط با یکی از زیرشاخه های حوزه آب است در دانشگاه ها مختلف کشور تاسیس شده و سالیان متمادی است که در مقاطع تحصیلی مختلف به خصوص مقطع تحصیلات تکمیلی، دانشجویان زیادی در این حوزه مشغول به تحصیل و تحقیق هستند و پایان نامه های بسیار ارزشمندی را ارائه نموده اند و هزاران مقاله ارزشمند حاصل این تحقیقات است که در معتبرترین نشریات علمی بین المللی به چاپ رسیده است. همچنین از بین فارغ التحصیلان شاخص رشته آب، در دانشگاه های خارج و داخل، تعداد زیادی نیز به عضویت هیئت علمی دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی درآمده و در کنار اساتید پیش کسوت جمع بسیار صمیمی را در حوزه تدریس و تحقیق در رشته آب تشکیل داده اند. در واقع دانشگاهیان وظیفه خود را برای رشد و گسترش رشته آب و پرداختن به مسائل و مشکلات کشور در حد توان انجام داده اند. اما به دلایل متعددی متأسفانه دستگاه های اجرایی کشور نتوانسته اند از این توان عظیم برای حل مشکلات آب کشور به خوبی استفاده کنند. برای آموزش و تحقیق دانشجویان باید برنامه ریزی مشخصی وجود داشته باشد و برای رساله هر کدام از دانشجویان باید اهداف مشخصی تعیین شود تا این رساله ها بتوانند نقش سازنده ای در رفع مشکلات کشور بازی کنند. در حالی که دانشگاه های ما، به اندازه کافی امکانات و استاد کار آماده برای این حجم از پذیرش دانشجو را ندارند. در دانشگاه های خارج از کشور، یک استاد معمولاً زمانی دانشجوی ارشد یا دکتری می پذیرد که موضوع های خاصی که بتواند مشکل مشخصی را حل کند،

در دست داشته باشد. موضوع رساله دکتری معمولاً وقتی تصویب می شود که عنوان تحقیق از طرف یک سازمان اجرایی یا صنعتی به دانشگاه عرضه شود و مورد قبول آن مرجع قرار گیرد و قرارداد تحقیقاتی آن بسته و بودجه آن تامین شود. در حالی که در دانشگاه های ایران در اکثر مواقع دانشجو باید خودش به دنبال موضوع بگردد و استاد و دانشجو با هم برای جلب همکاری، پشت در بسیاری از دستگاه های اجرایی متوقف می شوند. دستگاه های اجرایی نیز ساز و کار مناسبی ندارند که موضوع های مشخصی را برای دانشگاه ها تعریف کنند و در زمان معقولی آن را تصویب نموده، بودجه مشخصی را برای آن در نظر بگیرند و کنترل مناسبی را اعمال کنند تا کار همان طوری که می خواهند پیش برود. این دستگاه ها معمولاً ساختار مناسبی ندارند تا از خروجی های تحقیقات به شکل مفید و تجاری استفاده کنند. از طرفی ارتباط دانشگاه با صنعت کشور به خوبی شکل نگرفته، تا آنها پا پیش بگذارند. همین مقدار ناچیز از بودجه های تحقیقاتی که در حال حاضر به دانشگاه ها اختصاص پیدا می کند نیز وابسته به پول نفت است. که با کم و زیاد شدن درآمد نفت همین بودجه اندک تحقیقاتی نیز به نوعی دچار چالش می شود. این خلا باعث ایجاد یاس و ناامیدی در دانشگاه ها شده است. در نهایت چون دانشجو در یک بازه زمانی محدود باید کار خود را تمام کند و رساله خود را تحویل دهد، مجبور است یا صرفاً به بحث های نظری بپردازد یا اگر هم وارد بحث های عملی بشود، بخاطر فهم نادرستی که دستگاه های اجرایی از انتشار اطلاعات دارند، داده های واقعی کاربردی به دست دانشجو نمی رسد و او مجبور می شود با داده های فرضی و یا منتشر شده در مقالات دیگران تحقیق خود را پیش ببرد. خیلی اوقات می بینیم متولی داده ها، مدیرعامل یا کارشناسان آن دستگاه نیستند، بلکه حراست است که تصور می کند با زدن مهر محرمانه، می تواند از اطلاعات و آمار حراست کند. در صورتی که اکنون دوران انفجار اطلاعات است و در تمام دنیا، همه مراجع علمی، اطلاعات خود را به صورت آنلاین منتشر می کنند و همه را ترغیب می نمایند تا از اطلاعات آنها استفاده کنند و با کمک این داده ها مدل ها و راه کار ها و راه حل های جدیدی را ارائه دهند. اینگونه است که فضای تحقیقات کشور تبدیل به یک مسیر ناهموار و سنگلاخ شده و محققین ما مجبورند در چنین شرایطی به هر شکلی که شده، خروجی علمی ارائه دهند و یافته های خود را منتشر کنند و اینکه این خروجی تا چه حد می تواند قابل استفاده و مفید باشد خیلی مطرح نخواهد بود. یکی دیگر از مشکلات این است که به دلیل وجود ساز و کار مناسب برای تحقیقات در خارج از کشور، ما شاهد عدم بهره وری کامل از نیروها هستیم و همه ساله تعداد زیادی از نیروهای نخبه دانشگاه، بعد از اینکه هزینه هنگفتی برای آنها صرف می شود، از کشور خارج و در بهترین دانشگاه های اروپا و آمریکا، به بالاترین مدارج علمی می رسند. همیشه این سوال وجود دارد که چرا دانشجویان جامعه ما در داخل کشور موفق نیستند، اما وقتی در یک ساختار علمی مناسب قرار می گیرند، خیلی سریع شکوفا می شوند. دلایل همین خلا های سیستمی و نبود ساز و کار و مدیریت صحیح است. در حالی که کشورهای پیشرفته افراد را در پوزیشن مناسب قرار می دهند و توانمندی و استعداد آنها را شکوفا می کنند و در نهایت نیز صدها و هزاران

ساختار تک محصولی است که وابسته به نفت است و اختیار تمام درآمدهای نفتی در دست دولت است. اکثر جاهایی هم که اسمشان را بخش خصوصی گذاشته ایم، بیشتر درآمدشان حاصل سرریز درآمدهای نفتی است که در برابر یک سری خدمات، از طرف دولت به آنها داده می شود. هر بخش خصوصی هم که با دولت کار می کند، میلیاردها تومان طلب دارد و نمی تواند مخارج روزمره خود را تامین کند، چه برسد به اینکه بودجه ای برای تحقیقات هزینه کند. دانشگاه ها هم اگر با بخش صنعت ارتباط تنگاتنگی نداشته باشند و نتوانند از اطلاعات و امکانات و کارشناسان و تجربه و بودجه بخش خصوصی استفاده کنند، ممکن است تحقیقاتشان به صورت ذهنی و مجرد انجام شود و لزوماً برای حل مسائل فعلی کشور کاربرد نداشته باشد. زمانی که ماسراغ صنعت می رویم، می گویند دانشگاه نمی تواند مشکل ما را حل کند چون مشکلات عملی ما را نمی داند. در صورتی که مشکل دوطرفه است. اگر صنعت، ساز و کار داخلی خود را تجهیز کند و بتواند به موقع به محققین خوراک برساند، مطمئناً شرایط خیلی متفاوتی می شود و دانشگاه ها می توانند بسیاری از مشکلات دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی را با هزینه ای اندک حل کنند. البته در بخش خصوصی کم و بیش، شرکت هایی وجود دارد که به دلیل انگیزه های شخصی مدیران، ارتباط شان با دانشگاه ها و بخش های تحقیقاتی حفظ شده است. اکثر دانشجویان و دانشگاه های ما هم دغدغه حل مسائل کشور را دارند و در این راه قدم هایی را بر می دارند، ولی متأسفانه این روش در کل کشور نهادینه نشده است.

چرا به اندازه کافی برای کمک به تحقیقات دانشگاهی انگیزه وجود ندارد؟

کار تحقیقاتی به این شکل نیست که بلافاصله بتوان به جواب رسید، این کار حوصله می خواهد. باید چند سال هزینه کرد و به پای آن ایستاد، تا کم کم نتایج به دست آید. یکی از مسائلی که مخصوصاً در بخش دولتی باعث توقف یاری رساندن به امر تحقیقات می شود، دیدگاه های مدیران است. مدیران ما با اینکه انگیزه خدمت دارند، ولی بیشتر دنبال خدمت های زود بازده هستند که در طول دوران مدیریت خود بتوانند خروجی کار را عرضه کنند و روی آن مانور بدهند. همانطور که گفتم مسائل تحقیقاتی دراز مدت است و برخی از مدیران متوجه این قضیه نیستند و برخی هم چون بازه کار تحقیق طولانی است، خیلی انگیزه ندارند بودجه موسسه خود را صرف اقداماتی کنند که احتمالاً خروجی آن نصیب نفر بعدی شود. این مورد با فرهنگ سازی طولانی مدت باید حل شود. مدیرانی باید انتخاب شوند که کارها را برای منفعت کشور انجام دهند و در قید این نباشند که کار به اسم چه کسی تمام می شود.

چگونه می توان به بخش تحقیقات دانشگاه ها یاری رساند؟

علاوه بر ارتباط پویای دانشگاه و صنعت و تامین مالی و نظارت صحیح بر تحقیقات، یکی از روش های مناسب برای کمک به بخش تحقیقات دانشگاه ها برگزاری همایش ها، میزگردها، کارگاه ها و نمایشگاه های تخصصی با حضور دانشگاه و صنعت و استفاده از توان انجمن های علمی است. در حوزه آب حدود ۱۵ انجمن علمی وابسته به وزارت علوم فعالیت می کنند و آنها اخیراً نیز برای هم افزایی بیشتر، اتحادیه انجمن های علمی آب را تشکیل داده اند. یکی از اینها انجمن آب و فاضلاب ایران است که در چند سال اخیر همایش های مستمری را با عنوان "کنگره علوم و مهندسی آب و فاضلاب و همایش ملی

مدیریت مصرف و کاهش هدر رفت آب" را برگزار کرده است. در این برنامه ها سعی شد از طریق انجمن، اضلاع دانشگاه و صنعت و شرکت های آب و فاضلاب به هم مرتبط شوند. در تعدادی از میزگردهای تخصصی این همایش، مهمترین مشکلات کشور در حوزه آب و فاضلاب توسط خبرگان دانشگاه و صنعت به بحث گذاشته شد و سوالات و ابهاماتی که در ذهن دوستان شرکت کننده بود بخصوص کسانی که در حوزه صنعت فعالیت می کنند، تحت پوشش قرار گرفت. برگزاری چنین همایش هایی باعث مطلع شدن مسئولان آب و فاضلاب کشور و صاحبان صنایع مرتبط، از نیازهای دانشگاه و دانشجویان در زمینه تحقیقات و انتخاب موضوع برای تحقیقات می شود. هم چنین آنها هم متوجه می شوند که دانشگاه در چه زمینه هایی می تواند در مورد مشکلات آنها همکاری کند و برای آنها راه حل پیدا نماید. یکی دیگر از روش هایی که انجمن های علمی می توانند به تحقیقات دانشگاه ها کمک کنند چاپ مجلات و نشریه های علمی است. مثلاً انجمن آب و فاضلاب نشریه ای دارد با عنوان "علوم و مهندسی آب و فاضلاب" که در این نشریه از محققان دعوت می شود تا تحقیقاتی که در زمینه های مرتبط با آب و فاضلاب انجام داده اند و دستاوردهای شان را در آن چاپ کنند. مهندسين مشاور اگر تجربه ای دارند برای چاپ در اختیار مجله قرار می دهند. شرکت های آب و فاضلاب، مشاورین و پیمانکاران اگر در قالب پروژه ها به خلا هائی برخورد می کنند، نظراتشان را در این نشریه چاپ می نمایند. در حقیقت این نشریه تلاش می کند بستری فراهم کند تا اهل فن با مطالعه آن بتوانند شرایط موجود را ارزیابی نمایند و بدانند در چه زمینه هایی مشکلات و کمبود وجود دارد و آن مشکلات در چه حدی است و چه روش ها و راهکارهایی برای پر کردن خلاها وجود دارد. عموم انجمنهای علمی مسابقاتی با عنوان پایان نامه برتر نیز برگزار می کنند تا تحقیقات دانشجویان را ارزیابی کنند. این روش به برنامه ریزها نشان می دهد حالا که در کشور بحران آب وجود دارد، چند دانشگاه این دغدغه را دارند و در این زمینه تحقیقات انجام می دهند. در نتیجه می توانند پایان نامه ها را به سمت نیازهای کشور سوق دهند. یا در حوزه صنعت وقتی به نتیجه مقالات نگاه می کنیم، می بینیم که در بعضی از موضوع ها دستاوردهای خوبی داریم، ولی کمبودهایی هم وجود دارد. مثلاً متوجه می شویم مدیران صنعت خیلی برای کارهای تحقیقاتی ارزش قائل نمی شوند و ارتباط مناسبی با بخش های تحقیقاتی و دانشگاهی ندارند. بر این اساس متوجه می شویم که کمبودها و خلاها کجاست و کجا توانمندی و پتانسیل وجود دارد و ارتباط بین دانشگاه و صنعت به چه شکل باید باشد.

چرا برای کنترل بحران آب از پتانسیل های دانشگاهی استفاده نمی شود؟

هنوز شرایطی که مسئولان بخوانند مشکلات را به صورت علمی و با کمک تحقیقات دانشگاهی حل کنند در کشور شکل نگرفته است. برای مثال اگر مصاحبه مسئولان آب را در سال های گذشته نگاه کنیم، می بینیم همه ساله قبل از تابستان اعلام می کنند

امسال ۱۰ یا ۱۵ درصد کمبود آب خواهیم داشت. یک سری برنامه ریزی هم می کنند. مثلاً می گویند تعدادی چاه می زنیم یا در برنامه داریم آب را از جانی به جانی منتقل کنیم. این نوع برنامه ها نشان دهنده نگاهی است که معتقد است، حتماً باید بودجه ای خرج شود تا آب تولید کنند و به دست مردم برسانند. از نظر فرهنگ سازی نیز تنها کاری که می کنند این است، از مردم خواهش می کنند مثلاً ۲۰ درصد کمتر آب مصرف کنند تا تابستان بدون قطع آب پشت سر گذاشته شود. سپس به محض اینکه تابستان تمام می شود و اولین بارندگی اتفاق می افتد، این مسائل فراموش می شود. در صورتی که بهتر است در چنین شرایطی و با استفاده از انگیزه مردم، نسبت به ارائه راهکارها و آموزش مدیریت مصرف، اقدام هائی بکنند. نمی گویم هیچ کاری نشده است، کارهای متنوعی صورت گرفته، دلسوزی های فراوانی انجام شده، ولی راهکارها هنوز به صورت سیستماتیک راهبری نمی شود. یکی از عواملی که در کاهش مصرف بسیار موثر است، بحث قیمت آب است. در بین تمام کالاهای خدماتی کمترین قیمت به آب اختصاص داده شده. تحقیقات نشان می دهد، قیمت بسیار ناچیز آب تمام انگیزه های مدیریت مصرف آب را، هم در مدیران و هم در مصرف کنندگان از بین می برد. اگر قبض آب یک خانواده ۴ نفره را در نظر بگیریم شاید در حد چند هزار تومان باشد که برابر است با دو تا چپیس یا پفک نمکی که برای بچه ها خریداری می شود. این نشان می دهد نظام تصمیم گیری ما، جایگاه آب را در بحث اقتصادی و در سبد خانوار تعریف نکرده است. هزینه آب تنها حدود ۰/۶ درصد از سبد خانوار را تشکیل می دهد که بسیار ناچیز است. این شرایط به شرکت آب و فاضلاب آسیب می رساند، چون در مواردی که سرمایه گذاری می کند، نمی تواند منتظر بازگشت سرمایه باشند و همیشه چشمش به دست دولت هستند تا از پول نفت به صنعت آب کشور یاری برساند. در چنین شرایطی برای مردم معنادار نیست که مثلاً برای خرید شیر آب کاهنده مصرف هزینه بیشتری بکنند. یکی دیگر از مشکلات کنترل مصرف آب بحث قانونگذاری است. دو سال قبل، وزارت نیرو اعلام کرد اگر ۲۰ درصد در مصرف آب صرفه جویی نشود با مشکل روبرو خواهیم شد، به همین دلیل با مشترکین پرمصرف برخورد خواهد شد. الان دو سال از آن زمان گذشته است و مسئولین می گویند ما ابزار قانونی لازم برای قطع آب مشترکین پر مصرف را نداریم. در واقع هیچ فشاری به کسانی که خارج از الگوی، آب مصرف می کنند، وارد نمی شود چون ابزار قانونی وجود ندارد. بیشتر کشورهایی که از لحاظ شرایط آب مثل ایران هستند، قوانین بسیار سختی دارند، پلیس آب دارند، قوانین محدود کننده دارند و جریمه های سنگین از کسانی که آب را هدر می دهند دریافت می شود. وقتی چنین شرایطی حکم فرما باشد، کسانی که می خواهند الگوی مصرف را رعایت کنند هیچ انگیزه ای ندارند. از طرفی تبلیغات هم شبیه چوپان دروغگو شده است. اینها زمینه های است که جای کار بسیار زیادی در آن وجود دارد، که می تواند با استفاده از پتانسیل دانشگاه ها و کانالیزه کردن پایان نامه ها و مقالات تحقیقی به این سمت، در جهت رفع مشکلات اقدام شود.

از اینکه وقت خود را در اختیار ماهنامه KWC قرار دادید از شما متشکریم.



سال پیش با راه اندازی سایت خرید آنلاین کارم را شروع کردم. در این سایت اجناس بازار را با ۲۰ درصد تخفیف قرار می دادم و با ساختن صفحه های جعلی، هنگامی که مشتریانم می خواستند هزینه کالا را بپردازند، اطلاعات بانکی آنها را سرقت کرده و در فرصتی مناسب از حسابشان پول برداشت می کردم."

۳- اسکیمینگ (کش رفتن)

در این روش اسکیمرها با قرار دادن مدارهای مغناطیسی در دستگاه های کارتخوان، اطلاعات کارت بانکی مشتریان را ذخیره می کنند و رمزی را که مشتری وارد دستگاه کرده به خاطر می سپارند. سپس با تخلیه اطلاعات، یک کارت جعلی می سازند و از حساب مشتری سرقت های میلیونی می کنند.

البته براساس آمار پلیس فتا در این روش که در حال فراگیر شدن است، مجرمان ممکن است به عنوان پرسنل یک فروشگاه، دستگاه اسکیم را داخل کارتخوان قرار داده و بدون اطلاع صاحب مغازه، اطلاعات مشتریان را سرقت کنند.

۴- استفاده از رسید خودپرداز

سارقان با برداشتن رسیدهای خودپرداز و شناسایی صاحب حساب و مراجعه به بانک، با ارائه مدارک جعلی حساسی به نام خود باز کرده و با دریافت کارت بانکی اقدام به برداشت غیرمجاز از طعمه خود می کنند. یکی از کسانی که با این روش کلاهبرداری کرده می گوید: "با پرسه زنی در کنار دستگاه های خودپرداز، رسیدهای بانکی جا مانده را نگاه می کردم و هر حسابی را که پول زیادی در آن بود، شناسایی و با مراجعه به بانک، اطلاعات صاحب حساب را به دست می آوردم. سپس با مدارک جعلی درخواست عابر بانک کرده و از این طریق حساب را خالی می کردم."

۵- اعلام برنده شدن در قرعه کشی

در این روش کلاهبرداران با معرفی خود به عنوان مجری تلویزیونی یا صاحبان موسسات صاحب نام و یا دایر کردن سایت های قرعه کشی، به افراد اعلام می کنند که مبلغی برنده شده اند و با گرفتن شماره کارت، مدعی می شوند "جایزه شما را ظرف ۲۴ ساعت به حسابتان واریز خواهیم کرد". شایدان اینترنتی روز بعد با قربانی تماس می گیرند و مدعی می شوند پول به حساب آنها واریز کرده اند. هنگامی که قربانی برای بررسی، به حساب خود مراجعه می کند، متوجه می شود پولی در کار نیست، ناچار با کلاهبرداران تماس می گیرد. در این لحظه کلاهبرداران با چرب زبانی طعمه خود را پای دستگاه خودپرداز کشانده و معمولاً با راهنمایی او به قسمت زبان انگلیسی، به جای واریز پول، از حساب آنها برداشت می کنند.

۶- سایت های شرط بندی

امروزه انواع شرط بندی به سایت های اینترنتی راه یافته و کلاهبرداران سالانه میلیاردها تومان از این طریق به جیب می زنند. در این روش به دلیل این که از هر فرد مبلغ کمی کلاهبرداری می شود، مردم به خاطر پایین بودن مبلغ و ترس از برملا شدن جرم شرط بندی، از شکایت صرف نظر می کنند. شیوه کار به این شکل است که در فضای مجازی سایت هایی به شما پیشنهاد می کنند که مثلاً نتایج فوتبال را پیش بینی کنید. ابتدا برای عضویت در این سایت ها مبلغی دریافت می شود. طبق قوانین سایت تا مبلغ برد شما به حد معینی نرسد حق برداشت را ندارد. این سایت ها به شکلی برنامه ریزی شده اند که ابتدا به شما اجازه می دهند مبلغی را برنده شوید، بعد مرحله باخت شروع می شود. وقتی چند ماهی از فعالیت این سایت ها بگذرد، به یکباره تعطیل می شوند و چون کارشان غیرقانونی است هیچ دسترسی به مدیران آن وجود ندارد.

اینها تنها روش های کلاهبرداری اینترنتی نیست و ده ها روش دیگر مانند: دام های کاریابی، کلاهبرداری از طریق جمع آوری اعانه برای بلایای طبیعی و فاجعه های انسانی، تله تروهای مسافرتی، کلاهبرداری از طریق فروش وسایل دست دوم، فروش کالای تقلبی و برگزار کردن حراج های تقلبی، از دیگر روش ها است. متأسفانه هر روز این روش ها رنگ و لعاب تازه ای به خود می گیرند و ممکن است هر کسی را به دام بیندازند. برای مصون ماندن از این نوع کلاهبرداری از گشت زدن های بی مورد در فضای مجازی پرهیز کنید، اطلاعات اساسی خود را در اختیار سرویس های نامعتبر اینترنتی قرار ندهید و بدانید پشت هر پیشنهاد پر منفعت یک کلاهبردار نهفته است.



منطقی جلوه دادن آن رو آوریم، در نتیجه با این کار، به تجدید و تقویت خطاها کمک می کنیم. وقتی برای به تعویق انداختن کارهای خود عذر و بهانه می آوریم، درحقیقت آن را موجه جلوه می دهیم و عواقبش را از یاد می بریم. وجود نشانه های افسردگی، خستگی، سردردهای شدید، بی خوابی، فشارخون و زخم معده در افراد تنبل، گواه بر آن است که فرد می خواهد خود را از رنج اهمال کاری های خود نجات دهد ولی چون ناموفق است، خواست های سرکوب شده اش کم کم تبدیل به درد و رنج جسمانی می شود. یک فرد تنبل اغلب به دلایل مختلف موفق نمی شود کار خود را به موقع انجام دهد، در نتیجه احساس شرمندگی می کند و معمولاً به خود می گوید:

"من آدم بدی هستم، چون کارم را به موقع انجام نداده ام."

تنبلی را به سه دسته می توان تقسیم کرد. اولین نوع تنبلی، براساس تمایل به «راحت طلبی و اجتناب از زحمت و دردسر» است. ما می خواهیم طبق قانون حداقل رنج، بیشتر استراحت کنیم و کم تر کار کنیم. این کم فعالیتی رفته رفته تبدیل به عادت می شود و تنبل می شویم. مثلاً وقتی باران می بارد، یک مسیر کوتاه را با ماشین می رویم تا خیس نشویم. به محض اینکه کمی گرم مان شد، کولر را روشن می کنیم و اگر کمی سرد شود، سیستم گرم کننده را راه می اندازیم. با چنین رفتارهایی ما نمی توانیم با تار و پود زندگی واقعی مانوس شویم و حقیقت آن را درک کنیم. راحت طلبی باعث می شود ما قدر مناظر و زیبایی های اطرافمان را کمتر بدانیم و همیشه از زندگی ناراضی باشیم. این نوع تنبلی ما را پرخاشگر بار می آورد و هنگام روبرویی با یک دردسر، به سرعت عصبانی می شویم.

دومین نوع تنبلی، از حس «ناامیدی» سرچشمه می گیرد. جلوی تلویزیون می نشینیم، می خوریم و می آشامیم. بدون فکر برنامه های تلویزیون را یکی پس از دیگری می بینیم و تقریباً فلج می شویم. حتی اگر به خودمان زحمت دهیم و پنجره اطاق را باز کنیم این کار را با حس کسلی و ناامیدانه انجام می دهیم. شاید اگر ژست زنگی به خود بگیریم، باز هم آن حس ناامیدی در درونمان وجود دارد و به ما می گوید «من بد هستم. هیچ نور امیددی در زندگی من وجود ندارد».

«خشم» مشخصه سومین نوع تنبلی است. افرادی هستند که فکر می کنند دنیا چیزی را که سزاوارش هستند به آنها نداده، در نتیجه به خود می گویند، چرا

خودم را به زحمت بیندازم؟ بهتر است بیشتر وقتم را به تفریح و خوشی بگذرانم. اگر کسی ایراد گرفت با او دعوا می کنم، یا به تختخواب می روم و پتو را روی سرم می کشم. بسیاری از تنبلی ها، نتیجه خشم از برآورده نشدن توقعات است. مثلاً شاگردی که از دریافت نمره های پائین و مردود شدن واهمه دارد، دچار خشم از خود می شود. این خشم او را به طرف تنبلی سوق می دهد و از زیر بار مطالعه دروس شانه خالی می کند و با هزار بهانه تراشی انجام تکالیف درسی خود را عقب می اندازد. این فرد به جای اینکه از دست خود عصبانی باشد و خود را مقصر بداند، همه تقصیرها را به گردن دیگران می اندازد. مثلاً معلمش را مقصر می داند که تکلیف مشکل برای او تعیین کرده، همکلاسی اش را مقصر می داند که به او در درس خواندن کمک نکرده، والدینش را مقصر می داند که برای او کتاب کمک درسی و معلم کمکی نگرفته اند. در نتیجه نسبت به معلمان و والدین و هم کلاسی خود احساس ناخوشنودی می کند. این ناراضی عاملی است که فرد تنبل را از فعالیت بعدی باز دارد و او دیگر حاضر نخواهد بود کارها را ادامه بدهد. این شرایط کم کم به صورت عادت در فرد تنبل نهادینه می شود.

شما در هر کاری که شروع می کنید، باید از پیش خود را برای مواجه شدن با برخی مشکلات آماده کنید. اگر میزان توقع شما بیش از حد توانائی شما باشد، کارها برای شما کسل کننده خواهد شد. اشتغال به انواع کارها و سرگرمی های مفید و فعالیت های بدنی، شما را از اندیشیدن به افکار مزاحم تنبلی نجات خواهد داد. به خود تلقین کنید که می توانید کارها را به شکل دلخواه انجام دهید. خود این فکر به شما نیرو می دهد در جهت مقصود پیش بروید.

کلاهبردارهای فضای مجازی

در دنیا سارقانی هستند که به جای زورگیری، کیف قاپی، جیب بری یا کف زنی، با اندکی بهره هوشی، دست به سرقت و کلاهبرداری می زنند. معمولاً به این گونه از افراد مجرمان یقه سفید می گویند. با گسترش روز افزون فضای مجازی و انجام بسیاری از امور مالی و بانکی توسط اینترنت، این روزها بر تعداد کلاهبرداران اینترنتی و شیوه های کلاهبرداری آنها افزوده می شود و ما هر لحظه در خطر هستیم تا با کمی بی مبالائی و یا طمع، در دام مجرمان اینترنتی بیفتیم و مال خود را از دست بدهیم. در این مقاله با روش های کلاهبرداران اینترنتی و راه های پیشگیری از آن آشنا می شویم.

۱- کلاهبرداری نیچر به ای

این شیوه یکی از قدیمی ترین روش های کلاهبرداری اینترنتی است و چون بیشترین تعداد آن از کشور نیچر به سرچشمه می گیرد، به این نام خوانده می شود. در این شیوه ایمیلی از طرف فردی ارسال می شود. او ادعا می کند که قرار است مبلغ زیادی پول بدست آورد و از شما برای طی کردن مراحل قانونی، تا آزادسازی کامل پول خود کمک می طلبد. او به شما قول می دهد در پایان کار، مبالغ زیادی پول به شما خواهد داد. انواع مدارک را هم برایتان می فرستد و نسبت به میزان تمایل و احساسات شما، میزان هزینه ها را بالا می برد. پس از مدتی شما متوجه خواهید شد که فرد کلاه بردار در هیچ کدام از قول هایش صداقت ندارد و پولی هم در کار نیست. یکی دیگر از روش های نیچر به ای، معمولاً برای تجار و بازرگانان استفاده می شود. مجرمان اینترنتی بانفوذ به نشانی پست الکترونیکی بازرگانان از داد و ستد آنها با شرکت های بین المللی باخبر می شوند. سپس با یک پست الکترونیکی که بسیار مشابه شرکت خارجی است، با تاجر وارد مذاکره می شوند و با یک پیشنهاد فریبنده و ارسال پروفرما و دادن یک شماره حساب، درخواست پول می کنند تا ترتیب حمل کالا داده شود. وقتی پول واریز می شود و بعد از مدتی خبری از ارسال محموله نیست، تاجر با شرکت طرف معامله تماس می گیرد و متوجه کلاهبرداری و واریز پول به حساب کلاهبرداران به جای شرکت اصلی می شود. به دلیل فعالیت این کلاهبرداران در کشورهای خارجی، شناسایی و دستگیری آنها غیر ممکن است.

۲- فیشینگ (به قلاب انداختن)

این شیوه کلاهبرداری بدین خاطر فیشینگ نامیده شده که کلاهبردارها یک لینک ساختگی، به همراه پیامی طمع برانگیز یا فریبکارانه، مثل قلاب ماهیگیری در صفحات مجازی قرار می دهند، سپس منتظر می مانند تا افراد به دام آن ها بیفتند. این روش رتبه نخست جرایم اینترنتی را به خود اختصاص داده. در این روش کلاهبرداران با ساختن صفحات جعلی مشابه درگاه اصلی بانکها، یا در قالب خرید اینترنتی، شماره کارت، رمز دوم و کد CV2 شما را به دست آورده و در فرصتی مناسب اقدام به برداشت از حساب شما می کنند. یکی از کسانی که با این شیوه کلاهبرداری کرده، روش کار خود را چنین توضیح می دهد: "چند

تنبلی

در درون همه ما دو صدا وجود دارد. یکی صدایی است که می خواهد ما را به حرکت درآورد و از ما می خواهد توسعه و رشد پیدا کنیم و صدای دیگری که می خواهد ما را متوقف کند، صدایی که ما را به تنبلی تشویق می کند، صدایی که باعث می شود پتانسیل ما نابود شود. همواره این دو صدا در درون ما مجادله می کنند و همیشه صدایی پیروز می شود که وجود ما به آن تمایل بیشتری دارد. صدائی که مرتباً تغذیه اش می کنیم، بزرگش می کنیم و اجازه می دهیم بر ما غلبه کند.

تنبلی افراد یک جامعه، بیشتر اوقات از «تنبلی اجتماعی» تغذیه می کند. تنبلی اجتماعی را در عدم تمایل جدی به درس خواندن در مدارس و دانشگاه ها، در کم کار کردن و کارگران، در میزان بالای تماشای تلویزیون به جای مطالعه و کتابخوانی، در تمایل زیاد به استخدام در دستگاه های اداری و عدم تمایل برای کسب تخصص و مهارت و کارآفرینی و مشاغل سخت، در استقبال از تعطیلی فراوان سالانه و در موارد فراوان دیگری می توان دید. تنبلی اجتماعی می تواند به تک تک افراد یک جامعه سرایت کند و تبدیل به تنبلی های فردی شود.

از نظر روانشناسی، اهمال کاری یا تنبلی یعنی به آینده محول کردن کاری که تصمیم به اجرای آن گرفته ایم. عقب انداختن کارها بلایی است که برای ما هزینه های زیادی دارد. یک فرد تنبل، علی رغم برخورداری از توانایی کافی جهت فعالیت و تلاش، از کارهایی که لازم است انجام بدهد می گریزد و سعی می کند مرتباً آنها را به تعویق بیندازد. موکول کردن کارها به آینده نه تنها موجب از بین رفتن راندمان، بلکه باعث پشیمانی و تأسف و کاهش اعتماد به نفس خواهد شد. پیامدهای تاخیر در کار، برای خود شخص نیز رنج آور است و علاوه بر زیان های پیش بینی شده و نشده، احساسی که از این تاخیر در فرد ایجاد می شود، شرمساری و بیزاری از خویشتن خویش است. تنبلی رفتاری نامطلوب و نکوهیده است که بتدریج در وجود انسان به شکل عادت در می آید. از این رو روان شناسان علاقه مندند تا بدانند چه در ذهن ما می گذرد که باعث می شود انجام دادن آنچه که برای آن برنامه ریزی کرده ایم را به تاخیر بیندازیم. آیا رابطه ای بین طرز تفکر ما در مورد کار و تمایل به عقب انداختن آن وجود دارد؟ چه عاملی باعث می شود به جای اینکه به سرعت به سراغ کارها برویم، بخواهیم آنها را بعداً انجام دهیم؟

ما عادت داریم برای خطاهای خود از جمله تاخیر در کارها، به عذر و بهانه و

تحلیل اخبار آب

احتمال رایگان شدن آب، برق و گاز

احمد امیرآبادی فراوانی عضو هیئت‌رئیس مجلس گفت: از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مطالعاتی در حال انجام است که هرماه به هر ایرانی ۲۰ لیتر بنزین با قیمت ده هزار ریال بدهند. وی افزود: درحالی‌که میزان مصرف میانگین روزانه ۹۰ میلیون لیتر بنزین است، با اجرای این طرح میزان مصرف این فرآورده به ۵۶ میلیون لیتر در روز خواهد رسید و با اجرای این طرح ۳۵ میلیون لیتر بنزین نسبت به مصرف عادی کشور صرفه‌جویی خواهد شد، که مازاد را می‌توان به قیمت ۵ هزار تومان به فروش رساند. با اجرای این طرح، حدود ۶۵ هزار میلیارد تومان درآمد سالیانه در اختیار دولت قرار می‌گیرد، که می‌توان بخشی از این درآمد را در بخش تولید و بخشی را هم در ناوگان اتوبوس‌رانی هزینه کرد. وی در مورد طرح دیگری گفت: این طرح مربوط به رایگان شدن آب، برق و گاز است، به این صورت که آب، گاز و برق خانوارها در حد میزان الگوی مصرف رایگان شود و از مابقی هزینه دریافت خواهد شد. وی ابراز کرد: انجام این طرح میزان مصرف را پایین آورده و بیش از وضعیت فعلی برای کشور درآمد خواهد داشت.

ماهنامه KWC این طرح ما را به یاد قانون هدمفند کردن پارانه ها می‌اندازد. در آن طرح هم قرار بود قیمت حامل‌های انرژی واقعی شود، تا هم مصرف سوخت کاهش پیدا کند و هم ۵۰ درصد از درآمد بدست آمده، صرف پرداخت یارانه نقدی شود و ۳۰ درصد از آن نیز به تولید کنندگان برسد و ۲۰ درصد نیز به منظور جبران خسارات ناشی از افزایش حامل‌های سوخت به دولت تعلق بگیرد. از آن تاریخ تا بحال مصرف بنزین از ۶۵ میلیون لیتر در روز به ۹۵ میلیون لیتر در روز رسیده و قیمت آن با دلار ۴۵۰۰ تومان لیتری ۴۵ سنت است، در صورتی که قیمت فوب خلیج فارس ۵۵ سنت است. (البته با دلار ۱۲ هزار تومان می‌شود ۱۲ سنت) هیچ سهمی هم به صنایع و دولت نرسید، فقط هزینه‌های یارانه نقدی، تبدیل به پای ثابت و بزرگی از بودجه سالیانه کشور شد.

احیای دریای ارومیه با فاضلاب تصفیه شده

مسعود باقرزاده کریمی، معاون امور تالاب‌ها در دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت از محیط زیست گفت: براساس مصوبه ستاد احیای دریای ارومیه باید ۳۰۰ میلیون مترمکعب از حجم آب دریای ارومیه از طریق آبی که در شهرها استفاده می‌شود و به صورت فاضلاب در می‌آید تامین شود. یک سری شبکه انتقال نیز برای این امر در دست احداث است. این حجم از فاضلاب پس از تصفیه، به دریای ارومیه ریخته خواهد شد. وی با بیان اینکه در کشورهای پیشرفته از آب تصفیه‌شده برای شرب نیز استفاده می‌کنند، خاطر نشان کرد: فاضلاب تصفیه شده موضوع وحشتناکی نیست و نباید از آن هراس داشت. در صورتی که تصفیه آب به طور کامل و صحیح انجام شده باشد، قطعاً مشکلی ایجاد نخواهد شد.

ماهنامه KWC دریای ارومیه برای احیای نیازمند ۱۲ میلیارد متر مکعب آب است. به فرض که سالی ۳۰۰ میلیون متر مکعب فاضلاب تصفیه شده به دریای ارومیه ریخته شود، ۴۰ سال طول می‌کشد تا دریای ارومیه احیاء شود.

با وجود بارندگی، کنترل مصرف آب الزامی است

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور گفت: با وجود بارندگی‌های خوب اخیر همچنان باید به مدیریت مصرف دقت نظر داشته باشیم و نباید تصور شود که کشور از تنش آبی عبور کرده است. وی همچنین با تأکید بر اهمیت مدیریت مصرف آب از رسانه‌ها و به خصوص صدا و سیما خواست با آگاهی بخشی به جامعه، مردم را به مشارکت در مدیریت مصرف ترغیب و تشویق کنند.

ماهنامه KWC طبق یک رسم قدیمی هر وقت بارندگی مناسبی در کشور می‌شد، مدیران به جای داشتن یک نگاه استراتژیک، با دیدگاه قضا قدری، بلافاصله اعلام می‌کردند که مشکل آب حل شده و مردم نگران نباشند. همین یک جمله، تمام نخ‌های ریسیده شده "فرهنگ مصرف بهینه آب" را در یک لحظه پنبه می‌کند. ظاهراً این بار مدیران تصمیم گرفته‌اند مسائل را واقع بینانه تر نگاه کنند، که جای امیدواری دارد.

افزایش سطح دریاها تهدیدی برای میراث جهانی یونسکو

نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد که بالا آمدن سطح آب دریاها که یکی از پیامدهای تغییرات اقلیمی است مناطق میراث جهانی یونسکو را تهدید می‌کند. کارشناسان یونسکو در بررسی‌های جدید خود اعلام کرده‌اند: افزایش سطح آب دریاها ناشی از تغییرات اقلیمی ده‌ها منطقه میراث جهانی در نواحی مدیترانه را با خطر فزاینده سیل و فرسایش روبرو خواهد کرد. در حقیقت تعداد زیادی از مناطق میراث جهانی با این تهدیدها مواجه هستند. یونسکو از سال ۱۹۷۲ میلادی ۱۰۹۲ منطقه میراث طبیعی و فرهنگی را بر اساس کنوانسیون میراث جهانی شناسایی کرده. بخش قابل توجهی از مناطق میراث فرهنگی جهان در نقاط ساحلی قرار دارند که از زمان‌های گذشته کانون فعالیت‌های بشر بوده است و نزدیک به ۸۰ درصد از اراضی که در خطر هستند، دارای میراث جهانی فرهنگی می‌باشند که ارزش حائز اهمیتی برای بشر دارند. در بررسی گروهی از کارشناسان آلمانی وضعیت ۴۹ منطقه میراث جهانی در نواحی ساحلی کم‌ارتفاع در مدیترانه، تا پایان این قرن بر اثر فرسایش و طوفان در معرض خطر نابودی قرار خواهند گرفت.

ماهنامه KWC بخشی از میراث فرهنگی جهان مانند پالمیرا و مجسمه‌های بودا بامیان افغانستان در جنگ‌ها نبود شدند. بخشی هم مانند آرگ بم در اثر بلایای طبیعی در حال نابودی هستند. تعدادی هم که قرار است به خاطر گرم شدن هوای کره زمین، به زیر آب بروند یا به وسیله سیل و فرسایش خاک نابود شوند. به نظر می‌رسد آیندگان از ما به نیکی یاد نکنند. البته اگر کسی از گرمایش جهان جان سالم به در ببرد.



پیش‌بینی کرد: بشر به مصرف سوخت‌های فسیلی تا زمانی ادامه خواهد داد تا منابع آن پایان یابد. وی پیشنهاد کرد، بهترین جایگزین برای سوخت‌های فسیلی، مانند نفت و زغال سنگ، که روزی ذخیره آن به اتمام خواهد رسید، استفاده از انرژی امواج جزر و مد دریا و انرژی خورشیدی خواهد بود که تمیز هستند و هیچ وقت تمام نمی‌شوند. پیش‌بینی گراهام بل تنها به نتایج مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی ختم نمی‌شد، او از تلاش دانشمندان در آینده، برای قرار دادن دستگاه‌های خورشیدی روی سقف برخی از خانه‌ها نیز سخن گفت. وی معتقد بود: سقف بسیاری از خانه‌ها در نقاط پر آفتاب در معرض نور مستقیم خورشید هستند و هیچ دلیلی وجود ندارد که ما نخواهیم با نصب دستگاه‌های خورشیدی، انرژی آن را ذخیره و از آن استفاده کنیم. به نظر او: گرمای خورشیدی مثل گرمایی که از یک دودکش بیرون می‌آید، محصولی زائد و اضافی محسوب می‌شود. چنین چیزی در اختیار ما است و ما باید از آن استفاده کنیم. در مورد زیست سوخت‌ها گراهام بل می‌گفت: با گذشت زمان، احتمالاً روزی خواهد رسید که نیاز جهان به الکل بیش از هر زمان دیگری خواهد شد. بهتر است مهندسان برای افزایش بهره‌وری و سودمندی، شرایطی را فراهم کنند که ماشین‌های صنعتی از الکل، به عنوان منبع سوخت استفاده کنند.

گراهام بل معتقد بود: ما باید تمام افکارمان را روی کاری که در حال انجامش هستیم متمرکز کنیم، مانند اشعه آفتاب که بدون متمرکز شدن، نمی‌تواند چیزی را بسوزاند. او می‌گفت: ایده‌های موفق، به آهستگی رشد می‌کنند. ما نمی‌توانیم با فشار، ایده‌ای بسازیم. مهم نیست قبلاً چه مقدار مطالعه بر روی یک ایده انجام گرفته، در هر صورت ایده‌ها در یک روز به کمال نمی‌رسند. شاید اگر امروز گراهام بل زنده بود، از پیش‌بینی‌های دقیق خود شگفت‌زده می‌شد.



او در طول مسیر سورتمه‌ای به وزن ۱۸۰ کیلوگرم را با خود می‌کشد که نزدیک به ۱۰۰ کیلو غذا در آن وجود دارد. او برای طی مسیر باید روزانه حدود ۲۳ کیلومتر درون برف و یخ و طوفان سورتمه خودش را با خود بکشد. در این فصل از سال قطب جنوب در تمام ۲۴ ساعت شبانه روز روشن است و شب نمی‌شود. او مجبور است برای خوابیدن به درون یک چادر کوچک برود و از چشم‌بند استفاده کند. او به همراه خود دو تلفن ماهواره‌ای و یک باتری خورشیدی و سوخت کافی برای روشن کردن اجاق، حمل می‌کند.

پیروزی در این عملیات علاوه بر عوامل فیزیکی و لجستیکی، نیاز به قدرت روحی بالا برای تحمل ۷۰ روز تنهایی و سکوت و تحمل مشکلات راه را دارد. او برای اینکه بتواند از نظر روحی خود را برای یک سکوت ۷۰ روزه آماده کند، قبلاً به کمک روش مدیتیشن به مدت ۱۰ روز در سکوت کامل به سر برده است.



سردبیر: شهریار بدیعی

گرافیک: احمد غلامی

عکس: ابوالقاسم انترآکی

لیتوگرافی و چاپ: آرنا

تهیه شده در مشار ایران ۸۸۸۲۲۸۶۰

moshariran@yahoo.com

پیامک: ۰۹۱۹۴۱۹۱۶۷۲

استفاده از مطالب ماهنامه بدون ذکر ماخذ، بلامانع است

آینده نگری‌های گراهام بل

الکساندر گراهام بل (Alexander Graham Bell) مبتکر، دانشمند و مخترع انگلیسی، در میانه قرن ۱۹ میلادی در اسکاتلند دنیا آمد. مادر گراهام بل تقریباً ناشنوا بود و برای شنیدن صدای دیگران از ابزارهای کمک شنوایی استفاده می‌کرد. به همین خاطر الکساندر جوان مجبور بود برای برقراری ارتباط کلامی، سرش را نزدیک پیشانی مادر ببرد، تا او از طریق لرزش حنجره، متوجه منظور گراهام شود. پدر و پدر بزرگ گراهام، هر دو گفتار درمان و معلم آموزش ناشنوایان بودند. به همین دلیل گراهام از خردسالی به مسائل مربوط به صوت و آموزش ناشنوایان علاقه مند شد. او در جوانی ابتدا به کانادا و سپس برای تدریس به ناشنوایان به آمریکا مهاجرت کرد و در آنجا با یکی از شاگردان ناشنوی خود، به نام میبل هوبارد ازدواج کرد. گراهام بل در سال ۱۸۷۶ اختراع تلفن را به نام خود ثبت کرد و با کمک پدر زنش که فرد ثروتمندی بود شرکت تلفن بل را پایه‌گذاری کرد. این شرکت هم اکنون با نام AT&T بزرگترین غول مخابرات جهان است. گراهام بل علیرغم آنکه به خاطر اختراع تلفن به شهرت و ثروتی باور نکردنی رسید، کار سابقش به عنوان معلم ناشنوایان را رها نکرد. اما نبوغ او تنها به اختراعات انقلابی تلفن محدود نمی‌شود. او در زمینه انواع سوخت نیز نظریاتی داشته که اکنون بعد از حدود ۱۰۰ سال نظریات او ثابت شده. یکی از این موارد، پیش‌بینی گراهام بل در رابطه با مصرف بی‌رویه سوخت فسیلی توسط بشر بود. راهی که او در صد سال پیش ارائه کرد، استفاده از سوخت‌های زیستی و پنل‌های خورشیدی بود. وی در مقاله‌ای که سال ۱۹۱۷ برای مجله نشنال جئوگرافیک نوشت، در رابطه با استفاده بیش از حد بشر از سوخت‌های فسیلی، پیش‌بینی بسیار دقیق و ترسناکی انجام داد و اعلام کرد که زمین به زودی به یک «گرم‌خانه» تبدیل خواهد شد. یک قرن پیش تعداد انگشت‌شماری از دانشمندان، نظرات خود در مورد تاثیرات آلودگی هوا بر محیط زیست کره زمین را بیان کرده بودند. عده‌ای از دانشمندان معتقد بودند ذرات آلوده معلق، مانع عبور اشعه‌های خورشیدی می‌شوند و آلودگی هوا باعث نرسیدن گرمای خورشید به زمین و در نتیجه سرد تر شدن آب و هوای کره زمین خواهد شد. به همین دلیل یک عصر یخبندان جدید را پیش‌بینی کرده بودند. اما گراهام بل نظری متفاوت داشت. او نظریه خود را این‌گونه تشریح کرد: هر چند با افزایش ذرات معلق در هوا بخشی از گرمای خورشید از دست می‌رود، اما دمای زمین افزایش پیدا خواهد کرد، زیرا بخشی از گرمای زمین که به سوی فضا بازتاب می‌شود، در زیر لایه آلودگی هوا به دام خواهد افتاد و پدیده‌ای به نام اثر گلخانه‌ای ایجاد خواهد کرد. وی معتقد بود با گذشت زمان، کم‌کم اثر گلخانه‌ای به «گرم‌خانه» تبدیل خواهد شد.

عبارت «اثر گلخانه‌ای» اولین بار توسط یکی از فیزیکدانان انگلستانی با نام جان هنری پوینتینگ (Poyniting John Henry) بکار برده شد. وی در سال ۱۹۰۹ برای توصیف پوشاندگی اتمسفر، عبارت «اثر گلخانه‌ای اتمسفر» را به کار برد، اما با رد شدن نظریه علمی او، این عبارت منسوخ شد. تا اینکه هشت سال بعد توسط گراهام بل، این اصطلاح استفاده شد و در فرهنگ زیست محیطی جهان باقی ماند.

در اواخر سال ۱۹۱۷، مقاله گراهام بل در مجله نشنال جئوگرافیک چاپ شد. در این مقاله او

قدرت یک انسان

کالین او بریدی "Colin O'Brady" یک ورزش کار ۳۳ ساله استقامتی است که موفق به فتح اورست شده. او رکورد دار پیمودن ۷ قله بلند جهان در ظرف ۱۳۲ روز و رکورد دار ۶۵۰ کیلومتری راه رفتن با سورتمه در طی ۳۰ روز و دوندۀ ماراتن طولانی مدت است. او این بار می‌خواهد قطب جنوب را فتح کند. منطقه «آنتارکتیکا» در قطب جنوب سردترین نقطه روی زمین و میانگین سرمای سالانه آن ۲۸ درجه زیر صفر است. در زمان طوفان این سرما به ۴۰ درجه زیر صفر می‌رسد. او می‌خواهد عرض قطب جنوب که طول آن بالغ بر ۱۸۰۰ کیلومتر است را در مدت ۷۰ روز به تنهایی طی کند.

تاکنون چندین نفر سعی کرده‌اند که این کار را بکنند که همه آنها با شکست مواجه شدند و بیشتر آنها در این مسیر کشته شدند. در سال ۲۰۱۵، یک کاوشگر انگلیسی به نام هنری وورسی، در تلاش برای عبور از این منطقه، ۵۰ کیلومتر مانده به پایان خط، قدرتش از دست داد و کشته شد. سال گذشته شخصی به نام سوندرز، این چالش را انجام داد، اما پس از تمام شدن غذایش مجبور شد تلاش خود را رها کند.

کالین او بریدی از ۵ نوامبر امسال سفر خود را آغاز کرده و پیش‌بینی می‌شود ۱۵ ژانویه به پایان خط برسد. او درباره هدفش از این سفر می‌گوید: «من می‌خواهم الهام بخش کسانی باشم که در زندگی خود، برای رسیدن به آرزوها و اهدافشان فعالیت می‌کنند.» به نظر کالین، دلیل اصلی شکست افراد قبلی، محاسبه نادرست در باره همراه داشتن مقدار غذای مناسب است. برای همین

